

تبیین عرفانی مقام حضرت فاطمه زهرا (س)



«شناخت حدی» فاطمه (س) از راه قرآن و سنت معصوم (ع) نیز بسیار دشوار است. مگر آنکه قرآن شناسان، سنت دانان اهل تفسیر، حکمت و عرفان رقایقی از حقایق معرفتی آن بانوی برتر عالمیان را فرا روی انسان‌ها قرار دهد تا از آموزه‌های فاطمی و اسرار معارفی او بهره گرفته و به سنت و سیره اش در جنبه‌های علمی و عملی اقتداء نمایند. به تعبیر علامه جوادی آملی:

درباره حضرت زهرا (س) سخن گفتن سهل و ممتنع است و سهولتش فراوانی فضیلت اوست و صعوبت آن برای عمق و ژرفای غیر قابل غوص و شنای آن می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۷)

کمالات امکانی فاطمه زهرا (س) را می‌توان با رویکردها و رهیافت‌های ذیل مطرح نمود:

الف) رویکرد وجود شناختی ب) رویکرد معرفت شناختی ج) رویکرد اجتماعی - سیاسی

الف) رویکرد وجود شناختی: از حیث وجودی، هرچه هستی چیزی محدودتر باشد، شناخت آن نیز آسان‌تر است و هرچه وسیع‌تر و گسترده‌تر باشد یا قوت و شدت وجودی اش بیشتر و عمیق‌تر باشد، شناخت آن نیز سخت‌تر و دشوارتر است تا برسد به هستی محض که «لیس کمله شیء» هیچ چیزی مانند او نیست (شوری: ۱۱). «ولم یکن له کفوا احد» و هیچکس همتا و همانند او نبوده (توحید: ۴).

حال با اندک تأملی می‌توان فهم کرد که فاطمه زهرا (س) از حیث وجود امکانی «دارای عالی‌ترین درجه وجودی و کامل‌ترین مرتبه هستی است و به همین دلیل در تفسیر فرات کوفی از امام صادق (ع) نقل شده است که آن حضرت در تفسیر این آیه «انا انزلناه فی لیله القدر» فرمود: شب، فاطمه است و «قدر» خداوند است، پس هر کس فاطمه را واقعاً شناخت، شب قدر را درک کرده است و همانا فاطمه، فاطمه نامیده شد، زیرا مردم از درک و شناخت او عاجزند و این آیات «و ما ادراک ما لیله القدر، لیله القدر خیر من الف شهر تنزل الملائکه و الروح فیها» یعنی فاطمه زهرا، از هزار مؤمن با فضیلت‌تر است و هم اوست که مادر مؤمنین است امام در ادامه تفسیر سوره قدر فرمودند: مراد از ملائکه مؤمنینی هستند که علم آل محمد را ملکه خود قرار می‌دهند و مراد از روح القدس همانا فاطمه زهرا است...» (فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰: ۵۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۶۵؛ تفسیر البرهان، ج ۴: ۴۸۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۸۱۸).

ب) رویکرد معرفت شناختی: اگر چه راه معرفت به حقیقت وجود، به روی انسان باز است و انسان مجهز به سرمایه بالقوه و بالفعل معرفتی است و دارای ابزار، منابع و معیارهای معرفت شناختی است و از عقل، قلب و قوای ادراکی چون گوش، چشم و... و برخوردار بوده و می‌تواند قله‌های بلند و ستیغ و ستبری را از حیث شناخت فتح نماید، لکن هستی‌هایی امکانی وجود دارند که «فتح معرفتی» آنها ممکن نیست به تعبیر علامه جوادی آملی: «در منطقه امکان، شناخت حصولی یا حضوری موجودی دشوارتر از شناخت وجودی پیامبر اعظم (ص) و عترت طاهره اش (س) نمی‌باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۶) چه اینکه همتایی برای آنها در عالم وجود و هندسه هستی نیست تا ظرف ادراک آنان گردد و به تعبیر آن استاد فرزانه

و حکیم مثاله «نهی همتایی برای اهل بیت (ع) به لحاظ خود اهل بیت (ع) از باب سالبه به انتفاء موضوع است، چون کثرتی بین خود آنان نیست و اما به لحاظ غیر، سالبه به انتفاء محمول است» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۳۵). در حدیثی از امام رضا (ع) نیز صعوبت بلکه امتناع شناخت حقایق وجودی انسان کامل (معصومین (ع) و از جمله فاطمه (س)) مطرح شده است: «... الامام و احد دهره، لا یدانیه احد و لا یعاد له عالم و لا یوجد منه بدل، و لاله مثل و لا نظیر... ر. و هو بحیث النجم من ید المتناولین و وصف الواصفین، فأین من الاخیار هذا؟! و این العقول عن هذا!؟!...» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۰۱) بنابراین شناخت حصولی و شهودی حضرت فاطمه زهرا (س) به دلیل اینکه قوت و شدت وجود دارد امکان ناپذیر است و به تفسیر استاد جوادی آملی: «مردم از معرفت به آن بانو محروم و ممنوع اند» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۳۷، ۱۳۸).

پس «فاطمه شناسی» تنها از راه معرفی فاطمه شناسان که همانا خداوند سبحان که خالق فاطمه (س) است و پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) و ائمه هدایت و نور (ع) ممکن و میسر است و انسان معمولی تنها می تواند در پرتو انوار وجودی و فیض رحمانی خود فاطمه زهرا (س) که همه عالم و آدم به نور وجود او مستنیر و به ضیا او مستضی اند بهره‌هایی از معرفت به آن ذات الهی و نوری داشته باشد و در ساحت «معرفت شناختی» نیز نیاز به اضافت و انوار اوست.

ج) رویکرد اجتماعی - سیاسی: گفته شد شناخت «شخصیت حقیقی» فاطمه زهرا (س) برای عموم مردم عادی و معمولی ناممکن است مگر آفاقی از معرفت به ابعاد و اضلاع وجودی اش از طریق «ثقلین» گشوده گردد و دریچه‌ای به حقیقت وجودش باز شود. بر این اساس روشن است که هر انسانی به قدر طاقت خود توان ورود به حقایق وجودی اش را پیدا می کند. کمالات حضرت زهرا دو نوع است:

الف) کمال وجودی - حقیقی که به «شناخت حدی» نیاز دارد.

ب) کمال حقوقی که به «شناخت رسمی» محتاج است که در حقیقت کمال اعتباری و عرضی است و البته بسیار ارزشمند است.

از حیث «متدلوژی معرفت» بایسته است به کمال حقیقی و حقوقی اش ادراک و عرفان یافت و از همه توانمندی‌های فطری - اکتسابی بهره جست و از حیث «جامعه شناسی معرفت» نیز راه را به شناخت همه ابعاد هستی اش باز نمود.

اگر چه شناخت حضرت دشوار است، لکن با تکیه بر «معارف و حیانی» ممکن و قابل حصول است و وصول به این شناخت باعث می شود که اسوه پذیری از حضرتشان در همه جنبه‌های زندگی نیز واقعیت یابد و حیات علمی - عملی و زندگی پاک و طیب فردی، خانوادگی و اجتماعی اش تابلوی زندگی معقول، معتدل، مشروع و سازنده دیگر آدمیان گردد.

منابع: قرآن کریم، نهج البلاغه و انتشارات نور علی نور.